

جایگاه قراردادهای بیع متقابل در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز ایران و مقایسه آن با قراردادهای مشارکت در تولید

مهدی منتظر*

سید نصرالله ابراهیمی**

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۲/۱۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۸/۹)

چکیده

از اوایل دهه هفتاد شمسی یکی از شیوه‌ها و سازوکارهای حقوقی و قراردادی رایج جهت تأمین مالی و جذب سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی، استفاده از قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز بوده است. علت این امر علاوه بر امکان جلب و جذب سرمایه‌گذاری، وجود الزامات و محدودیت‌های قانونی بوده است. بر این اساس، این مقاله ضمن بررسی جایگاه حقوقی و قراردادی قراردادهای مذکور، آن را با نوع دیگری از قراردادهای بالادستی صنعت نفت دنیا موسوم به قراردادهای مشارکت در تولید مقایسه می‌نماید تا ماهیت حقوقی و جایگاه این دو تأسیس قراردادی را علی‌رغم وجود الزامات قانونی و محدودیت‌های پیش‌گفته روشن نماید.

واژگان کلیدی

قراردادهای بیع متقابل، قراردادهای مشارکت در تولید، بخش بالادستی نفت و گاز، هزینه‌های سرمایه‌ای، هزینه‌های غیرسرمایه‌ای، عملیات نفتی، سرمایه‌گذاری خارجی.

مقدمه

سابقه تولید نفت در ایران به بیش از یکصد سال می‌رسد و بیش از شصت سال است که ایران از تولیدکنندگان بزرگ نفت در جهان محسوب می‌شود. وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام و گاز طبیعی و افزایش قیمت نفت خام در سال‌های اخیر، سبب افزایش قابل ملاحظه‌ای در طرح‌های توسعه‌ای کشور شده است. بنابراین انجام برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در بخش نفت و گاز، خصوصاً توسعه میدان‌های مشترک، ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در جهت تحقق همین مهم بوده است. در این خصوص یکی از مباحث اصلی صنعت نفت، موضوع سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی جهت اکتشاف و بهره‌برداری از میدان‌های نفتی و گازی به‌ویژه میدان‌های مشترک است. قرارداد بیع متقابل دارای چارچوب حقوقی - قراردادی مشخصی است که شرکت ملی نفت ایران از آن برای توسعه میدان‌های نفتی و گازی به‌منظور تأمین مالی و سرمایه‌گذاری و همچنین توسعه توانمندی‌های فنی شرکت بین‌المللی نفتی یا گازی استفاده می‌نماید.^۱ توضیح آنکه از اوایل دهه هفتاد شمسی، دست‌اندرکاران حوزه نفت و گاز کشور، یکی از شیوه‌ها و سازوکارهای حقوقی - قراردادی جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تأمین مالی پروژه‌های نفتی و گازی را در انعقاد قراردادهایی موسوم به «بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز» دانسته و آن را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. به‌موجب بند (ب) تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۲ کل کشور و همچنین تبصره ۲۹ قانون بودجه سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ و همچنین بند (و) تبصره ۲۲ قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه، ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه و بند ۳ ماده ۱۲۵ و همچنین ماده ۱۲۶ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران و همچنین قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰، جذب سرمایه‌گذاری به روش بیع متقابل و اکتشاف و توسعه میدان‌های نفتی کشور مجاز شناخته شده و بر این اساس نیز تاکنون قراردادهای بیع متقابل بسیاری منعقد و اجرا شده است. این نوشتار در صدد آن است که ضمن بررسی جایگاه این نوع قراردادها در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز، آن را با قراردادهای «مشارکت در تولید» که یکی دیگر از انواع قراردادهای رایج بخش بالادستی نفت و گاز در جهان است، مقایسه نماید.

۱. مفهوم و سابقه قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز

طرح مبانی قراردادهای بیع متقابل، ابتدا در قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ شمسی در خصوص نوع

1. A. Ghandi, C-Y C., Lin, "An Analysis of Risk and Rate of Return to International Oil Companies From Iran's Buy-back Service Contracts: The Case of Soroosh and Nowrooz", 2011, p.1. (available at: <http://www.ucdavis.edu>).

قراردادهای پیمانکاری خرید خدمات وضع شد.^۲ بعد از انقلاب اسلامی ایران برای اولین بار قرارداد بیع متقابل در سال ۱۳۷۳ در صنعت نفت و گاز ایران منعقد شد. در این سال مجلس شورای اسلامی به شرکت ملی نفت ایران اجازه داد قراردادهایی با حداکثر مبلغ ۳/۲ میلیارد دلار آمریکا برای توسعه میدان‌های گازی پارس جنوبی با مشارکت شرکت‌های نفتی خارجی منعقد نماید، به شرط اینکه تمامی هزینه‌های توسعه از طریق تولیدات این میدان‌ها بازپرداخت شود.^۳ همچنین در کنفرانس لندن در ژوئیه ۱۹۹۸ میلادی، نمایندگان شرکت ملی نفت ایران اعلام نمودند که شرایط جدیدی برای حضور سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران تحت عنوان «شروط بیع متقابل» پیش‌بینی کرده‌اند.^۴ البته باید گفت که نام این نوع قراردادها در صنعت نفت و گاز ایران، قراردادهای پیمانکاری خرید خدمات است^۵ و لذا عنوان بیع متقابل که از ترجمه «buy-back» گرفته شده است، صحیح نیست. توضیح آنکه برخی از نویسندگان، بای‌بک را به «توافق بازخرید یا پس‌خرید محصول» ترجمه نموده‌اند.^۶ علت طبقه‌بندی قرارداد بیع متقابل در ردیف قراردادهای خرید خدمت این است که بازپرداخت هزینه‌های نفتی قراردادهای مزبور به همراه سود سرمایه‌گذاری آن از محل نفت، مایعات گازی و فرآورده‌های نفتی یا عواید حاصل از آن صورت می‌گیرد و در نتیجه پرداخت‌ها به صورت نقدی یا تحویل محصول صورت می‌پذیرد.^۷ در هر صورت باید سازوکار بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران را به درستی شناخت، چه اینکه جهت تأمین منابع ملی در قراردادهای بیع متقابل باید شرایط ذیل را مدنظر قرار داد که عبارت‌اند از:

- ۱- شناخت جامع میدان‌های نفت و گاز؛
- ۲- شناخت دقیق مسائل حقوقی قراردادهای بیع متقابل؛
- ۳- آشنایی کامل با انواع قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز؛
- ۴- وجود مذاکره‌کنندگان ماهر و آشنا با فنون مذاکره و مطلع از مسائل جاری اقتصاد جهانی و بازارهای سرمایه؛

2. A. Shiravi, and S. N. Ebrahimi, *Exploration and Development of Iran's Oilfield Through Buy-back*, Natural Resources Forum 30, Blackwell Publishing Ltd., 2006, p. 200.

3. *Ibid*, p. 200.

4. M. Bunter, "The Iranian Buy-Back Agreement", vol. I, Issue # 02, March, 2003, p. 2. (available at: www.goeconsulting.co.uk).

5. صحرانورد، اسدالله، «تأمین بر بیع متقابل در قراردادهای نفتی ایران»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شهر دانش، ش ۲، پاییز - زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۰۱.

6. صابر، محمدرضا، *قراردادهای بیع متقابل (Buy-Back) در بخش بالادستی نفت و گاز و آثار حقوقی آن*، رساله دکتری حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز آموزش‌های عالی بین‌المللی، ۱۳۸۶-۱۳۸۵، ص ۴۳.

7. میلانی‌زاده، علیرضا و لیلا دادگری، *قراردادهای طرح و ساخت*، انتشارات میلان افزار، ۱۳۸۶، ص ۴۷.

۵- آشنایی کافی با بازارهای بین‌المللی نفت و شرکت‌های نفتی بین‌المللی؛

۶- رعایت اصل حاکمیت ملی در قراردادهای بیع متقابل.^۸

بیع متقابل در تجارت بین‌الملل این‌گونه تعریف شده است: «معامله‌ای که در آن یکی از طرفین، امکانات تولید را فراهم می‌سازد و طرفین این معامله توافق می‌کنند که تهیه‌کننده یا شخص منتخب از طرف او کالاهای تعیین‌شده را خریداری نماید. اغلب، تأمین‌کننده، فناوری، دانش و مهارت فنی و در پاره‌ای از موارد، قطعات و مواد لازم برای تولید کالا را فراهم می‌کند».^۹ در آیین‌نامه معاملات متقابل، موضوع بند (ی) تبصره ۲۹ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۴/۳۰ هیئت وزیران، در تعریف معاملات متقابل موضوع بند مذکور آمده است: «... به انواع معاملاتی اطلاق می‌شود که به‌موجب آن، تأمین‌کننده، بخش یا تمام کالاها یا خدمات موردنیاز جهت ایجاد، توسعه، بازسازی، اصلاح یا ادامه تولید واحدهای تولیدی کشور را در اختیار تولیدکننده قرار می‌دهد و بهای کالاها و خدمات مزبور، پس از کسر مبالغ پیش‌پرداخت، به اضافه هزینه‌های متعلق بر اساس قرارداد منعقدشده از طریق تحویل کالاها یا خدمات تولیدی تولیدکننده یا در صورت تأیید وزارتخانه ذی‌ربط از طریق تحویل سایر کالاها صنعتی و معدنی و خدمات تولیدی در کشور به تأمین‌کننده یا خریدار پرداخت می‌شود». اما در خصوص صنعت نفت و گاز ایران، قراردادهای بیع متقابل به‌منظور استخراج، بهره‌برداری و توسعه ذخایر نفت و گاز طراحی شده است. سرمایه‌گذار خارجی در این قراردادها به‌عنوان پیمانکار خارجی محسوب می‌شود که در واقع باید آن را نوعی قرارداد پیمانکاری خرید خدمت بدون ریسک نامید. در این قراردادها سرمایه‌گذار خارجی به‌عنوان پیمانکار، عملیات توسعه میدان‌های نفت و گاز را با سرمایه و تأمین مالی خود طی مدت معین انجام داده و با شروع تولید، پیمانکار کلیه عملیات بهره‌برداری میدان را به شرکت ملی نفت تحویل می‌دهد و حداکثر ۶۰ درصد محصول تولیدی پروژه را به‌عنوان استهلاک هزینه‌ها و حق‌الزحمه به مدت معین توافقی، مثلاً پنج تا هفت سال، به قیمت روز دریافت می‌نماید.^{۱۰} بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موضوع قراردادهای بیع متقابل نفتی، اکتشاف و توصیف میدان‌های نفت و گاز، توسعه میدان نفتی و گازی و انتقال خدمات ذی‌ربط است. پیمانکار در این قراردادها بعد از اتمام عملیات فوق موافقت می‌کند که بهای آن را کلاً یا جزئاً با خرید محصول تولیدی از میدان‌های نفت و گاز وصول کند.

۸. درخشان، مسعود، «منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز»، مجله مجلس و پژوهش، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۱، ص ۲۴.

۹. السان، مصطفی، «ابعاد حقوقی انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شهر دانش، ش ۹، بهار - تابستان ۱۳۸۵، ص ۲۱۳.

۱۰. صحرانورد، همان، ص ۱۰۱.

اما با توجه به تنوع روش‌های تجارت متقابل در انجام پروژه‌های صنعت نفت و گاز باید علل استفاده و تأکید بر روش قرارداد بیع متقابل را ناشی از دو امر مهم دانست: اولاً در قرارداد بیع متقابل، حاکمیت دولت ایران بر منابع نفت و گاز تضمین می‌شود و نظارت دولت در قالب شرکت‌های وابسته به شرکت ملی نفت ایران اعمال می‌شود. ثانیاً با توجه به ضرورت تعامل با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی که از دانش فنی و توانمندی مدیریتی در عرصه نفت و گاز برخوردارند، دانش فنی و تخصص موردنیاز بر اساس شرایط قراردادی فی‌مابین تأمین می‌شود. همچنین به‌واسطه این قراردادها دست‌یافتن به ارزش خارجی ممکن می‌شود. البته از قرارداد بیع متقابل، صرفاً در صنعت نفت و گاز استفاده نمی‌شود بلکه این توافق در اجرای پروژه‌های صنعتی و همچنین اکتشاف و استخراج مواد خام، معادن طبیعی و سایر معاملات عمده تجاری بین‌المللی نیز به‌کار می‌رود. لذا پیمانکاری که تعهدات خود را به انجام می‌رساند موافقت می‌کند که بهای آن را کلاً یا جزئاً با خرید محصول تأسیسات انجام‌شده (ساخته‌شده) وصول کند.^{۱۱} همچنین می‌توان علل استفاده از قراردادهای بیع متقابل در کشورهای توسعه‌نیافته را از جمله کمبود ارزش معتبر و تسهیلات اعتباری برای پرداخت سرمایه‌گذاری غیرنقدی خارجی دانست که غالباً به‌صورت فناوری و تجهیزات فنی و خدمات مدیریتی صورت می‌گیرد.

بند یک ماده ۳ قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ مقرر می‌دارد: «منابع نفتی و صنعت نفت ایران، ملی است و اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی ایران در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید، بهره‌برداری و پخش نفت در سرتاسر کشور و فلات قاره منحصرأ به‌عهده شرکت ملی نفت ایران است که رأساً یا به‌وسیله نمایندگی‌ها و پیمانکاران خود در آن‌باره اقدام خواهد کرد». بر این اساس شرکت‌های نفتی خارجی به نمایندگی از شرکت ملی نفت ایران در قالب پیمانکار عمل می‌نمایند. لذا انعقاد هرگونه قرارداد مانند قراردادهای امتیازی یا مشارکت در تولید که در آن شرکت‌های نفتی خارجی به‌عنوان پیمانکار، تحت نظر شرکت ملی نفت ایران نبودند امکان‌پذیر نیست. به‌جای آن قانونگذار، نوعی قرارداد خرید خدمات خطرپذیر را تجویز نمود.^{۱۲}

قراردادهای بیع متقابل که تاکنون در ارتباط با توسعه میدان‌های نفتی بین ایران و شرکت‌های خارجی منعقد شده، نشان می‌دهد که این پروژه‌ها عظیم بوده و مبالغ بسیاری در آن هزینه شده است.^{۱۳} لذا با توجه به هزینه‌های بسیار سنگین در اجرای پروژه‌های بیع متقابل، استفاده از سرمایه‌گذاری شرکت نفتی خارجی و توانمندی‌های او، مدنظر شرکت ملی نفت ایران قرار می‌گیرد. اگرچه اولین قرارداد به شیوه بیع متقابل بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت آمریکایی

۱۱. اشمیتوف، کلاپوم، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه: بهروز اخلاقی و دیگران، جلد اول، سمت، ۱۳۷۸، ص ۲۵۲.

12. A. Shiravi, and S. N. Ebrahimi, *op. cit.*, p. 200.

۱۳. شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین‌الملل، سمت، ۱۳۸۹، ص ۳۴۴.

کونوکو امضا شده بود، این قرارداد قبل از اجرایی شدن به دلیل اعمال تحریم علیه ایران توسط آمریکا در زمان ریاست جمهوری کلینتون ملغی شد.^{۱۴}

به دلیل پیچیدگی‌های فنی، اقتصادی، مالی، بازرگانی و قراردادی در پروژه‌های بالادستی نفتی، قراردادهای بیع متقابل توسط شرکت ملی نفت ایران و پیمانکار پس از طی مذاکراتی تقریباً طولانی منعقد می‌شود. شرح کامل وظایف پیمانکار در برنامه کلان توسعه^{۱۵} که یکی از ضمایم اصلی قرارداد بیع متقابل است، توسط شرکت ملی نفت ایران تهیه می‌شود.^{۱۶} در چنین قراردادی دوره زمانی از تاریخ قطعی لازم‌الاجرا شدن قرارداد تا پایان زمان پیمان پیش‌بینی می‌شود. طی عملیات توسعه، پیمانکار به‌عنوان مجری طرح در میدان ذی‌ربط و تحت کنترل و هدایت یک کمیته مدیریتی مشترک که تعداد اعضای آن به‌طور مساوی از سوی پیمانکار و شرکت ملی نفت ایران انتخاب شده باشد عمل می‌کند. در این دوره زمانی، پیمانکار، تأمین‌کننده کلیه هزینه‌های سرمایه‌ای و غیرسرمایه‌ای و همچنین هزینه‌های عملیاتی در جریان اجرای عملیات توسعه (هزینه‌های نفتی) است.^{۱۷} هزینه‌های غیرسرمایه‌ای در چارچوب قرارداد بیع متقابل، شامل کلیه هزینه‌های غیرمستقیمی است که پیمانکار در اجرای عملیات توسعه پرداخت کرده است. این هزینه‌ها صرفاً دربرگیرنده مالیات‌ها، هزینه‌های تأمین اجتماعی، هزینه‌ها و عوارض گمرکی ایران و همچنین هزینه آموزش کارکنان ایرانی است. در کلیه مراحل انجام کار باید گزارش‌هایی به اعضای کمیته مدیریت مشترک ارسال شود. پس از امضای این‌گونه قراردادها نیز مراجع نظارتی کشور از قبیل دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور، اختیارات نظارتی خود را برای کنترل رعایت صلاح و صرفه اقتصادی دارند، بدین‌صورت که در هریک از مراحل اگر در گزارش‌های وزارت نفت یا شرکت ملی نفت ایران ابهامی وجود داشته باشد با درخواست نهادهای مذکور، موارد مذکور بررسی و رفع می‌شود. در واقع یکی از محاسن استفاده از روش قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت و گاز کشور این است که اصولاً این روش، یک شیوه از سرمایه‌گذاری غیراستقراری است چه اینکه این روش در ایران متناسب با منافع و نیازهای ایران و در عین حال ایجاد انگیزه برای شرکت خارجی جهت سرمایه‌گذاری و رعایت انتظارات آن، بهینه‌سازی شده است.^{۱۸} بنابراین در این نوع قراردادها، شرکت نفتی خارجی دو نقش ایفا می‌نماید. نقش اول آن، سرمایه‌گذاری است و نقش دوم، پیمانکار بودن آن است که بر اساس آن، پیمانکار، سازماندهی عملیات

۱۴. مقدم، محمدرضا و محمد مزروعی، «مدل‌سازی و تحلیل قراردادهای بیع متقابل و ارائه مدل بهینه‌سازی قرارداد در ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۷۶، آذر و دی ۱۳۸۵.

15. Master Development Plan

۱۶. جانکوفسکی، ادوارد، «ماهیت قراردادهای بیع متقابل ایران»، *مجله اقتصاد انرژی*، اسفند ۱۳۷۹، ص ۶۲.

۱۷. همان، ص ۶۲.

۱۸. محبی، محسن، «رویه داوری بین‌المللی درباره غرامت (دعای نفتی)»، *مجله حقوقی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، ش ۳۵، ۱۳۸۵، ص ۱۴.

نفتی میدان، شامل ساخت تأسیسات و ... را انجام و تولید آن را به شرکت ملی نفت ایران واگذار می‌کند.^{۱۹} البته در قراردادهای بیع متقابل نفتی ایران، موارد زیر به‌صراحت مشخص می‌شود:

۱- توزیع سرمایه اولیه در طول دوران اکتشاف، توصیف و توسعه میدان؛

۲- محدودیت‌های مربوط به پرداخت و سایر تبصره‌های فنی؛

۳- هزینه‌های بانکی؛

۴- جدول توزیع اصل سرمایه، هزینه‌های بانکی و بازپرداخت آن؛

۵- پاداش یا همان جبران خدمات سرمایه‌گذار.^{۲۰}

همچنین پس از انجام عملیات نفتی، امور مربوط به تولیدات میدان، مجدداً به کارفرما (شرکت ملی نفت ایران) منتقل می‌شود. در این مرحله چون کارفرما اداره‌کننده تولید میدان است، باید کلیه هزینه‌های میدان را خود متقبل شود. در این دوره که مرحله بهره‌برداری از میدان است پیمانکار صرفاً منافع مالی میدان را تا پایان قرارداد بیع متقابل که شامل دوره عملیات اکتشاف و توسعه و همچنین دوره بازپرداخت هزینه‌ها در قالب قراردادهای بیع متقابل است، مطابق قرارداد فیما بین دریافت می‌دارد. این منافع اصولاً به دو دسته عمده ذیل تقسیم می‌شود:

۱- کلیه هزینه‌های نفتی علاوه بر بهره‌های ذی‌ربط به نرخ لیبور^{۲۱} به‌علاوه یک سود مطلوب؛

۲- حق الزحمه اجرای عملیات نفتی.^{۲۲}

یکی از اصول حاکم بر قرارداد بیع متقابل، موضوع بازپرداخت هزینه از محل محصولات میدان نفتی و گازی است که نباید از حداکثر ۶۰ درصد کل درآمد عملیات تولید میدان یا پروژه در حال توسعه فراتر رود که در این صورت حداقل ۴۰ درصد مابقی آن به شرکت ملی نفت ایران تعلق می‌گیرد.^{۲۳} البته نرخ بازگشت سرمایه^{۲۴} در قراردادهای بیع متقابل، نرخ ثابتی نیست و این فرآیند در نسل‌های مختلف این‌گونه قراردادهای دارای نمودار خاصی است که خارج از حوصله این مقاله است. البته همواره طرفین در خصوص درصد مقرر نرخ بازگشت سرمایه در قرارداد با یکدیگر مذاکره کرده و به یک نرخ توافقی می‌رسند. از دیگر ویژگی‌های قراردادهای بیع متقابل نفتی و گازی در ایران آن است که دولت، مالکیت خود

19. J. Wright, & A-H. Byrknes, "Buy-back Contract Risk Modeling Using System Dynamics", Sustainability in the Third Millennium, 2000, p. 2.

۲۰. مقدم و مزرعتی، همان، ص ۱۶۵.

۲۱. لیبور (LIBOR) یا همان London Inter Bank Offer Rate نرخ بهره پیشنهادی بین بانکی لندن است که در ساعات مختلف برای دوره‌های زمانی، هفتگی، ماهانه تا یک ساله اعلام می‌شود و در منبع روتیزر قابل دسترسی است.

۲۲. جانکوفسکی، همان، ص ۶۲.

۲۳. همان، ص ۶۲.

را نسبت به نفت و گاز موجود در ذخایر زیرزمینی از دست نمی‌دهد و مالکیت کاملاً محفوظ است.^{۲۵} در این نوع قراردادهای کلیه اموال و تأسیسات، متعلق به شرکت ملی نفت ایران است. برای مثال بر اساس بند ۱۱-۲ نمونه قرارداد بیع متقابل، کلیه زمین‌های تحصیلی و اموالی که در ارتباط با اجرای عملیات توسعه در منطقه عملیاتی ایجاد شده یا مورد استفاده قرار گرفته، اموال شرکت نفت و متعلق به آن است مگر در مورد ماشین‌آلات و وسایلی که اجاره شده یا موقتاً وارد شده است. در هر حال ممکن است در برخی میدان‌های نفتی و گازی نظیر میدان‌های مشترک یا آب‌های عمیق، استفاده از روش بیع متقابل امکان‌پذیر نبوده یا به صرفه و صلاح مملکت نباشد. لذا به موجب ماده ۱۴ برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور، شرکت ملی نفت ایران نه تنها می‌تواند از قراردادهای بیع متقابل استفاده کند، بلکه این اختیار را دارد که از دیگر راهکارهای مناسب جهت جلب سرمایه‌گذاری خارجی و خدمات شرکت‌های نفتی خارجی نیز بهره بگیرد.^{۲۶} قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز تاکنون سه نسل^{۲۷} خود را تجربه کرده است که ذیلاً ویژگی‌های هر یک از آن‌ها بررسی خواهد شد.

۱-۱. بیع متقابل نسل اول

قراردادهای بیع متقابل نوع اول یا نسل اول به قراردادهایی گفته می‌شود که میدان‌های نفتی و گازی مربوط به آن، پیشاپیش دارای اطلاعات کافی اکتشافی و توصیفی بوده و میدان‌های مزبور، آمادگی لازم را برای توسعه داشتند. بالطبع ریسک سرمایه‌گذاری در این میدان‌ها بسیار کم بود. از دیگر مشخصات این نسل از قراردادهای بیع متقابل این بود که مبلغ قرارداد در آن‌ها ثابت بوده و عملاً از انعطاف لازم در هزینه‌های توسعه‌ای برخوردار نبود.

۱-۲. بیع متقابل نسل دوم

قراردادهای بیع متقابل نسل دوم، شامل قراردادهایی است که با اکتشاف و توسعه میدان‌ها همراه

۲۵. ابراهیمی، سید نصرالله، «اصلاح یا جایگزینی قراردادهای بیع متقابل، راهکار یا ضرورت»، شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی، شان، مصاحبه مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۸.

۲۶. همان.

۲۷. همچنان که اصطلاح بیع متقابل در نمونه‌های قراردادهای خدمات پیمانکاری بالادستی صنعت نفت و گاز ایران رسماً به کار نرفته است، اصطلاح بیع متقابل نسل‌های اول، دوم و سوم نیز به صورت رسمی در قراردادهای منعقد در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز یا در قوانین و مقررات ذی‌ربط مورد استفاده قرار نگرفته است. فلسفه استفاده از اصطلاحات مذکور در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز صرفاً جهت شناسایی بهتر این نوع قراردادها و تمایز آن‌ها از یکدیگر است.

است.^{۲۸} درحالی‌که قراردادهای نسل اول صرفاً شامل قراردادهای توسعه‌ای است، همان‌طور که در بالا بیان شد دولت میزبان، تمایل اساسی و جدی دارد تا بین مراحل اکتشاف و استخراج، تفاوت قائل شود.^{۲۹} باوجود این، پیمانکار این حق را برای خود قائل است که در صورت اکتشاف میدان هیدروکربوری و تجاری بودن آن، مستقیماً و بدون قرارداد جدید با سقف مشخص و ثابت، عملیات توسعه را به عهده گیرد. در این نوع قراردادها دو مرحله اکتشافی و استخراجی در قالب شروط قراردادی واحد، تدوین و تجمیع می‌شود و با انجام مرحله اکتشاف و با احراز این مهم که نفت و گاز موجود در مخازن، تجاری محسوب می‌شود، شرکت نفتی خارجی وارد توسعه مخازن و النهایه تولید می‌شود. در این روش، قرارداد به صورت واحد تلقی شده و فقط مراحل اجرای کار متمایز می‌شوند.^{۳۰} این نسل از قراردادهای بیع متقابل، متعاقب قانون بودجه سال ۱۳۸۲ هجری شمسی شکل گرفت.

۱-۳. بیع متقابل نسل سوم

قراردادهای نسل سوم بیع متقابل عملاً از سال ۱۳۸۴ در صنعت نفت آغاز شده و تاکنون چند قرارداد بزرگ در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز با شرکت‌های بین‌المللی منعقد شده و هم‌اکنون نیز در حال اجراست. این در حالی است که قراردادهای این نسل، نواقص مربوط به نسل‌های گذشته را بررسی و مرتفع نموده و هم‌اکنون نواقص آن به حداقل ممکن رسیده است.^{۳۱} چارچوب قراردادهای نسل سوم بیع متقابل در جهت رعایت ضوابط و مقررات عام و خاص کشور به‌ویژه ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و همچنین دستورالعمل ۸ ماده‌ای مصوبه هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران بنا شده است.^{۳۲} در بند (الف) ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت موظف شده است طرح‌های بیع متقابل دستگاه‌های موضوع ماده ۱۶۰ این قانون و همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و بانک‌ها را در لوایح بودجه سالانه پیش‌بینی و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند. ضمن آنکه بند (ب) ماده فوق بیان

۲۸. ابراهیمی، سیدنصرالله، محمدحسن صادقی‌مقدم و نرگس سراج، «انتقادهای وارده بر قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت و گاز ایران و پاسخ‌های آن»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، ش ۴، زمستان ۱۳۹۱، ص ۲.

۲۹. ایرانپور، فرهاد، «مالکیت و مفهوم آن در قراردادهای نفتی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، ش ۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۶۳.
۳۰. همان، ص ۶۳.

۳۱. ابراهیمی، سیدنصرالله، «نسل سوم قراردادهای بیع متقابل»، مشعل، نشریه کارکنان صنعت نفت ایران، ش ۴۶۸، دوره جدید، ۱۳۸۸/۰۸/۱۷، ص ۹.

۳۲. ابراهیمی، سیدنصرالله، «واکاوی ویژگی‌های حاکم بر قراردادهای بیع متقابل و تأثیر آن بر قراردادهای بالادستی، فراساحل/اروند»، نشریه شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی ایران، ش ۵۲، ۱۳۹۲، ص ۳۷.

می‌دارد: «به‌منظور افزایش تولید نفت و حفظ ارتقای سهمیه ایران در تولید اوپک، تشویق و حمایت از جذب سرمایه‌ها و منابع خارجی در فعالیتهای بالادستی نفت و گاز به‌ویژه در میدان‌های مشترک و طرح‌های اکتشافی کشور، اطمینان از حفظ و صیانت هرچه بیشتر با افزایش ضریب بازیافت از مخازن نفت و گاز کشور، انتقال و به‌کارگیری فناوری‌های جدید در توسعه و بهره‌برداری از میدان‌های نفتی و گازی و امکان استفاده از روش‌های مختلف قراردادی بین‌المللی، به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود تا سقف تولید اضافی مندرج در بند (ج) این ماده نسبت به انعقاد قراردادهای اکتشافی و توسعه میدان‌ها با تأمین منابع مالی با طرف‌های خارجی یا شرکت‌های صاحب صلاحیت داخلی، متناسب با شرایط هر میدان با رعایت اصول و شرایط ... اقدام نماید». حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت بر منابع نفت و گاز کشور و همچنین عدم تضمین دولت یا بانک مرکزی جهت بازپرداخت هزینه‌ها در صورت عدم اکتشاف چاه‌های نفتی از دیگر ویژگی‌های قراردادهای بیع متقابل است.

از دیگر مباحث مهم مندرج در این قرارداد، استفاده حداکثری از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی، خدماتی و اجرایی کشور بر اساس قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به‌منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ و اصلاحیه آن تحت عنوان قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۱/۵/۱ است. همچنین در قراردادهای نسل سوم بیع متقابل پیش‌بینی شده است که تولید زودهنگام به‌عنوان یکی از احتمالات ممکن در برنامه کلان توسعه مورد بررسی قرار گیرد تا عملاً بخش یا سرمایه‌گذاری مرتبط با تولید اولیه میدان از طریق فروش محصول تولیدی و عواید حاصل از میدان نفتی و گازی مستهلک شود. علاوه بر آن، تأسیس مرکز و محل عملیات اداری، اجرایی، مالی، فنی یا غیره از سوی پیمانکار در ایران از تعهدات پیمانکار به‌شمار می‌آید که هزینه آن نیز از سوی دولت میزبان پرداخت می‌شود، درحالی‌که اگر شرکت سرمایه‌گذار بخواهد مرکز یا محل عملیات اداری خود را در کشورهای دیگر تأسیس کند، هزینه آن از سوی دولت میزبان پرداخت نخواهد شد. در این قراردادها تمامی مطالعات مهندسی میدان نفت و گاز به‌صورت مبانی مهندسی طراحی^{۳۳} یا مهندسی پایه،^{۳۴} خواه قبل یا بعد از تاریخ نفوذ و لازم‌الاجرا شدن^{۳۵} قرارداد با شرکت و تأیید کارشناسان صنعت نفت انجام خواهد شد. همچنین تمام مطالعات مهندسی و طراحی تکمیلی،^{۳۶} خواه قبل یا بعد از تاریخ نفوذ و لازم‌الاجرا شدن قرارداد نیز با شرکت و تأیید کارشناسان صنعت نفت انجام خواهد شد. در این

33. Basis of Design (BOD)

34. Basic Design (B.D)

35. Effective Date (E.D)

36. Front End Engineering Design (FEED)

قراردادها، واگذاری تمامی قراردادهای دست دوم یا فرعی^{۳۷} پس از تاریخ نفوذ و لازم‌الاجرا شدن قرارداد با مشارکت کارشناسان صنعت نفت و تأیید شرکت ملی نفت صورت می‌پذیرد، به نحوی که راهبردهای واگذاری، رعایت استفاده حداکثری از امکانات و توانایی‌های داخل کشور و نحوه شکست یا خردکردن پیمان‌های دست دوم و همچنین مدیریت آن‌ها باید قبل از انعقاد قرارداد به توافق و تأیید شرکت ملی نفت برسد.^{۳۸} سقف هزینه‌های سرمایه‌ای قراردادهای بیع متقابل نسل سوم از طریق برگزاری مناقصات بسته‌های اجرایی پروژه جهت پیمانکاران فرعی و دست دوم در زمان معین پس از تنفيذ قرارداد مشخص خواهد شد و به همین دلیل، این قراردادها در صنعت نفت ایران به قراردادهای «مناقصه باز»^{۳۹} یا «هزینه‌های سرمایه‌ای باز»^{۴۰} معروف شده است. این درحالی است که قراردادهای نسل سوم بیع متقابل به صورت سقف هزینه‌های سرمایه‌ای منعقد نمی‌شود بلکه قراردادهای مزبور با یک تخمین اولیه از هزینه‌های سرمایه‌ای منعقد می‌شود و سقف قطعی هزینه‌های سرمایه‌ای این نوع قراردادها که ترکیبی از هزینه‌های مستقیم، درصد معینی از هزینه‌های مدیریتی^{۴۱} و هزینه‌های اجرای برخی از فعالیت‌های انحصاری و خاص از سوی شرکت‌های وابسته پیمانکاران بین‌المللی است، پس از انعقاد و انجام مهندسی پیشرفته FEED و برگزاری مناقصات تحت نظارت شرکت ملی نفت ایران ظرف مدت معینی تعیین می‌شود.^{۴۲} همچنین در قراردادهای فوق، هم پیمانکار و هم کارفرما به رعایت ضوابط مدیریت صیانتی مخزن و تمام ضوابط و رویه‌های مرتبط با حفظ صیانت مخزن قبل از انعقاد قرارداد مذاکره مکلف می‌شوند و همه موارد مربوط به بهینه‌سازی مخزن^{۴۳} تحت عنوان «مدیریت جامع مخزن» مورد توجه و توافق شرکت ملی نفت قرار می‌گیرد. لذا در این نوع قراردادها پس از اتمام عملیات توسعه و انجام موفق عملیات تحویل و تحول^{۴۴} فاز اول، پیمانکار متعهد می‌شود که ضمن انجام برنامه توصیف مخزن از طریق آزمایش داده‌های چاه،^{۴۵} نتایج حاصله را جهت بررسی و تصمیم‌گیری برای اجرای عملیات توسعه فاز بعدی به شرکت ملی نفت ایران ارائه دهد. در گذشته نسبت به قراردادهای بیع متقابل از قبیل عدم ابراز تمایل پیمانکاران بیع متقابل نسبت به انجام کار با سقف ثابت و غیرقابل تعدیل، عدم تعیین پاداش ویژه برای پیمانکار در صرفه‌جویی از هزینه‌های سرمایه‌ای، عدم رعایت صیانت مخزن، فقدان سازوکار لازم برای انتقال فناوری یا فقدان انگیزه برای

37. Subcontracts

۳۸. ابراهیمی، «نسل سوم قراردادهای بیع متقابل»، همان، ص ۹.

39. Open tender

40. Open capex

41. Project Management Costs (PMC)

۴۲. ابراهیمی، «نسل سوم قراردادهای بیع متقابل»، همان، ص ۹.

43. Maximum Efficient Rate (MER)

44. Handover

45. Data Test Appraisal Program (DTAP)

وی در استفاده از فناوری و دانش فنی درازمدت در پروژه، انتقاداتی مطرح می‌شد لیکن کلیه این انتقادات، یا از درک ناصحیح قراردادهای مذکور ناشی می‌شد یا اشکالات مزبور در جریان اصلاح قراردادهای بیع متقابل در قراردادهای نسل سوم برطرف شده است.^{۴۶} در حال به نظر می‌رسد با گذشت زمان، قراردادهای بیع متقابل به بلوغ واقعی خود نزدیک‌تر شده و پیش‌بینی می‌شود در مدیریت جدید صنعت نفت و گاز کشور در آینده‌ای نزدیک، نسل چهارم قراردادهای بیع متقابل نیز توسعه یافته و به بازار داخلی و بین‌المللی معرفی شود.

۲. قراردادهای مشارکت در تولید

اولین قرارداد مشارکت در تولید در اوت ۱۹۶۶ میلادی با شرکت ملی نفت اندونزی منعقد شد و متعاقباً به کشورهای تولیدکننده نفت راه یافت.^{۴۷} در واقع از این زمان به بعد شرکت‌های نفتی برای نخستین بار، نقش «پیمانکاران» را ایفا کردند. قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت با چارچوب‌های حقوقی برای بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی مشابهت زیادی دارد. باید توجه داشت که واژه «پیمانکار» فقط در خصوص قراردادهای مشارکت در تولید و قراردادهای خدمت (بیع متقابل) مصداق دارد چه اینکه پیمانکار، موظف به اجرای عملیاتی است که در قرارداد تصریح شده است و اساساً نمی‌تواند مالکیت ذخایر نفتی را به دست آورد. در قراردادهای مشارکت در تولید، شرکت نفتی خارجی، کلیه خطرات مربوط به عملیات اکتشاف و همچنین تولید و مدیریت در قلمرو قرارداد را به عهده داشته و هنگامی که نفت و گاز تولیدی به سطح میزان اقتصادی رسید، شرکت نفتی خارجی حق خواهد داشت نسبت به بازیافت هزینه‌های سرمایه‌گذاری خود از محل نفت خام تولیدی از قلمرو قرارداد اقدام نماید.^{۴۸} در واقع قرارداد مشارکت در تولید از قراردادهایی است که مطابق آن، دولت، حقوق انحصاری کاوش، اکتشاف، توسعه و تولید منابع معدنی از یک منطقه خاص را برای یک مدت معین به یک سرمایه‌گذار اعطا می‌نماید و در مقابل، سرمایه‌گذار متعهد می‌شود عملیات را در مدت تعیین شده به هزینه و ریسک خود انجام دهد.^{۴۹} اولین قراردادی که در ایران در قالب قراردادهای مشارکت در تولید منعقد شد بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفتی ایتی‌ان‌ا (ایتالیا) بود. بر اساس این قرارداد، طرفین با سهام مساوی، شرکت مستقلی به نام *ایران سیرپ* تشکیل دادند و به موجب آن، نفت تولیدشده در

۴۶. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ن.ک: ابراهیمی، محمدحسن صادقی‌مقدم و سراج، همان، صص ۱۹۱.

۴۷. آریان‌کیارضا، «شرط دآوری در سیر تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال ۲۶، ش ۴۱، ۱۳۸۸، ص ۲۰۴.

48. Y. Omorogbe, *The Oil and Gas Industry: Exploration and Production Contracts*, Malthouse Press Ltd., 1997, p. 60.

۴۹. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، *نظام حقوقی قرارداد مشارکت در تولید در صنعت نفت و گاز*، انتشارات شرکت مهندسی و توسعه نفت، ۱۳۸۵، ص ۷.

مالکیت شرکت ایرانی بود و توسط وی به فروش می‌رسید و منافع حاصله بین دو شرکت به نسبت مساوی تقسیم می‌شد.^{۵۰} قرارداد مشارکت در تولید را نباید با قرارداد مشارکت در درآمد^{۵۱} یا مشارکت در سود^{۵۲} اشتباه گرفت، چه اینکه قراردادهای مذکور، ماهیت خاص قراردادهای خرید خدمت را دارند. یکی از تفاوت‌های اصلی قراردادهای پیمانکاری و خرید خدمت در این است که در قراردادهای پیمانکاری، برای پیمانکار، مالکیت ایجاد می‌شود اما در قراردادهای خرید خدمت، برای شرکت سرمایه‌گذار، صرفاً سهمی از سود حاصله منظور می‌شود.^{۵۳}

نکته مهم در خصوص قراردادهای مشارکت در تولید، آن است که توافق اصلی طرفین این قراردادها بر سهم تولید استوار است درحالی‌که حقوق مالکانه نسبت به ذخایر، متعلق به دولت است.^{۵۴} موفقیت قراردادهای مشارکت در تولید در کشورهای درحال توسعه عمدتاً انگیزه‌های متفاوتی دارد که در آن شرکت نفتی خارجی به‌عنوان پیمانکار شناخته شده و صرفاً مستحق سهمی از تولید است.^{۵۵} در هر صورت در خصوص استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت و گاز ایران، نه تنها تمایلی به انعقاد این‌گونه قراردادها دیده نمی‌شود، بلکه حسب تفاسیر مختلف و مضیق قانونی، انعقاد این قراردادها با موانع حقوقی از قبیل اصول مندرج در قانون اساسی نظیر اصول ۴۳، ۴۴، ۴۵ و ۸۱ نیز روبه‌روست. به نظر می‌رسد یکی از مشکلات اساسی استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید، خصیصه اصلی این‌گونه قراردادهاست که در آن شرکت پیمانکار، به نسبت مشارکت تعیین شده، مالک محصول تولیدی می‌شود و این مسئله با اصل مالکیت دولت بر منابع زمینی و تولیدی زیرزمینی منافات دارد چه اینکه نفت و گاز تولیدشده بین دولت و سرمایه‌گذار به نسبت توافقی نظیر پنجاه - پنجاه تقسیم می‌شود.^{۵۶}

۳. مقایسه قراردادهای بیع متقابل و مشارکت در تولید در بخش بالادستی نفت و گاز

با توجه به توضیحات فوق درباره قراردادهای مشارکت در تولید، تفاوت‌های آن با بیع متقابل بررسی می‌شود.

۱- سرمایه‌گذاری خارجی طبق ماده ۶ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ در بخش نفت ممنوع است.

۵۰. ایرانپور، فرهاد، «انواع قراردادهای نفتی، تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی»، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۳۵.

51. Revenue sharing contracts

52. Profit sharing contracts

۵۳. صابر، محمدرضا، بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز، دادگستر، ۱۳۸۹، صص ۹۰-۹۱.

۵۴. عزیزاللهی، محمدرضا، بیع متقابل از دیدگاه فقه و حقوق، رساله دکتری، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۴، ص ۷۹.

55. N. Beredjick, and T. Walde, *Petroleum Investment Policies in Developing Countries*, Graham & Trotman Ltd., 1998, p. 90.

56. Y. Omorogbe, *op. cit.*, p. 60.

در واقع جهت انجام عملیات نفتی و استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید، نیاز به کسب مجوز قانونی وجود دارد.^{۵۷} اما استفاده از قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت در قوانین برنامه و بودجه سالانه و همچنین قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور پیش‌بینی شده است.

۲- بر اساس ماده ۲ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ تأسیسات و تجهیزات به‌کاررفته برای تولید باید در حاکمیت و مالکیت دولت باشد. این امر در قراردادهای بیع متقابل صراحتاً ذکر شده است. اما در قراردادهای مشارکت در تولید، بسته به نوع قرارداد، این مسئله متغیر است.

۳- میزان پذیرش ریسک در قراردادهای مشارکت در تولید با بیع متقابل متفاوت است. اگرچه در قراردادهای مزبور، دولت میزبان (پذیرنده سرمایه) در صورت عدم موفقیت شرکت خارجی (سرمایه‌گذار) در اکتشاف میدان‌های نفتی متقبل هیچ هزینه‌ای نمی‌شود و در صورت موفقیت در امر اکتشاف توسط شرکت خارجی هزینه‌های صورت گرفته را از محل تولید جبران می‌نماید، اما تفاوت این دو دسته قرارداد در سقف هزینه‌های مزبور است. توضیح آنکه در قراردادهای بیع متقابل، هزینه‌های سرمایه‌ای پیمانکار تا میزان سقف مبلغ مورد توافق به شرط حصول نتیجه در امر اکتشاف و توسعه، توسط دولت میزبان پرداخت می‌شود. این در حالی است که در قراردادهای مشارکت در تولید در صورت موفقیت در پروژه اکتشافی و توسعه‌ای، استهلاک هزینه‌های سرمایه‌ای مزبور دارای سقف مشخصی نبوده و طرف خارجی می‌تواند کلیه هزینه‌های انجام گرفته را از محل تولید مطالبه نماید. همچنین در قراردادهای بیع متقابل، صرف‌نظر از وجود سقف مشخصی برای ریسک پیمانکار، پرداخت هزینه‌های سرمایه‌ای، مشروط به قیمت نفت خام است. چون دوره بازپرداخت هزینه‌های نفتی در قراردادهای بیع متقابل معین شده است، چنانچه پیمانکار به دلیل کاهش قیمت نفت نتواند هزینه‌های نفتی را طی دوره بازپرداخت مزبور مستهلک نماید، ریسک عدم پرداخت به عهده پیمانکار است. این در حالی است که در قراردادهای مشارکت در تولید، کلیه هزینه‌های نفتی بازپرداخت می‌شود، حتی اگر لازم باشد دوره بازپرداخت تمدید شود.

۴- تنوع ریسک‌های سرمایه‌گذار در قراردادهای مشارکت در تولید، سه دسته است که عبارت‌اند از:

(الف) ریسک عدم کشف تجاری و اقتصادی میدان نفتی؛

(ب) ریسک عدم دستیابی به تولید یا تولید کافی؛

(ج) ریسک افزایش هزینه‌های توسعه و تولید و عدم تکافوی میدان جهت بازیافت هزینه‌های نفتی.

این در حالی است که ریسک پیمانکار در قراردادهای بیع متقابل عبارت‌اند از:

(الف) ریسک عدم کشف تجاری و اقتصادی میدان؛

۵۷. شاکری، آرنوش، ارائه چارچوبی جهت تعیین نوع قراردادهای پروژه‌های توسعه‌ای (استراتژی قراردادهای)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و صنعت ایران، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۳-۱۲.

(ب) ریسک عدم دسترسی به تولید یا تولید کافی؛

(ج) ریسک کاهش قیمت نفت در میدان؛

(د) ریسک افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای از سقف تعیین شده قراردادی.

۵- دوره زمانی و مدت قرارداد از دیگر تفاوت‌های این دو قرارداد است چه اینکه دوره زمانی قرارداد بیع متقابل بسیار کوتاه‌تر از طول عمر میدان موضوع قرارداد است درحالی که دوره زمانی قراردادهای مشارکت در تولید، بسیار طولانی‌تر از زمان فوق است و این امر در شرکت‌های خارجی، جهت کسب سود بیشتر، ایجاد انگیزه می‌کند. بر این اساس با توجه به مدت طولانی این نوع قراردادها، شرکت خارجی نفع خود را در تولید بیشتر می‌داند.^{۵۸} اما در قراردادهای بیع متقابل به دلیل کوتاه‌مدت بودن قرارداد و با توجه به اینکه شرکت خارجی تنها یک پیمانکار محسوب می‌شود صرفه اقتصادی متوجه وی نمی‌شود. البته این وجه تفاوت در قراردادهای بیع متقابل نسل سوم تا حدی برطرف شده است. همچنین با توجه به اینکه قانون نفت مصوب سال ۱۳۹۰ اجازه حضور پیمانکار در دوره تولید و بهره‌برداری از میدان نفتی را نیز می‌دهد، پیش‌بینی می‌شود نسل چهارم بیع متقابل بتواند طول عمر میدان را برای پیمانکاران اکتشافی، توسعه‌ای و تولیدی پیش‌بینی نماید.

۶- یکی از تفاوت‌های بارز قراردادهای مشارکت در تولید و بیع متقابل، تفاوت در شیوه بازپرداخت هزینه‌های پیمانکار است چه اینکه در قراردادهای مشارکت در تولید، زمانی شرکت خارجی مالک نفت خام تولیدی می‌شود که تولید نفت طبق قرارداد به مقدار معینی برسد. از آن پس، شرکت خارجی در نفت خام تولیدی که ممکن است بر اساس درصدهای متفاوتی نظیر پنجاه - پنجاه باشد، تصرفات مالکانه می‌نماید. اما در قراردادهای بیع متقابل، اگرچه بازپرداخت هزینه‌ها پس از تحقق تولید در سقف مقدار معینی از محصول است، هیچ‌گونه مالکیتی برای پیمانکار نسبت به نفت استحصالی ایجاد نمی‌شود^{۵۹} بلکه تمام هزینه‌های سرمایه‌ای، غیرسرمایه‌ای و عملیاتی از طریق فروش نفت خام تولیدی یا عواید حاصل از آن یا تخصیص بخشی از محصول تولیدی به پیمانکار، حسب قرارداد انجام خواهد شد.

۷- پس از انجام پروژه در قراردادهای بیع متقابل و تحویل میدان به کارفرما توسط پیمانکار، سرمایه‌گذار عملاً در میدان حضور ندارد و لذا هیچ مسئولیتی نسبت به تولید میدان به‌استثنای تعهدات مندرج در قراردادهای جانبی موافقت‌نامه همکاری فنی^{۶۰} و قرارداد همکاری پشتیبانی برای تولید^{۶۱} ندارد، درحالی‌که در قراردادهای مشارکت در تولید با توجه به شریک بودن

۵۸. جانکوفسکی، همان، ص ۶۶

۵۹. صادقی، جوانمرد، «جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy-Back)، مفهوم، ماهیت و تشریفات انعقاد»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شهر دانش، ش ۵ بهار - تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۲۸.

60. Technical Support/Service Agreement (TSA)

61. Production Support and Assistance Contract (PSAC)

سرمایه‌گذار خارجی، وی تا انتهای پروژه در میدان حضور داشته و لذا مسئولیت تولید میدان در دوره بهره‌برداری را نیز به عهده دارد.

۸- در قراردادهای مشارکتی، هزینه‌های عملیات در مراحل مختلف اکتشاف، تولید و بهره‌برداری توسط شرکت‌های طرف قرارداد توسط دولت میزبان کنترل نمی‌شود زیرا کلیه عملیات اکتشافی، توسعه‌ای و تولیدی در اختیار شرکت سرمایه‌گذار است و فقط دولت میزبان عملاً در تصویب برنامه و بودجه و همچنین حسابرسی هزینه‌های انجام‌شده ورود پیدا می‌کند، درحالی‌که در قراردادهای بیع متقابل، مدیریت، نظارت و کنترل دولت میزبان علاوه بر مراتب فوق‌الذکر در لایه‌های متفاوت دیگری نیز اعمال می‌شود. ضمن آنکه هزینه‌های نفتی، خواه از ابتدا یا پس از مرحله مطالعات مهندسی پیشرفته، دارای سقف معینی است.

نتیجه

علت رجوع به قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز را می‌توان در تضمین این نوع قراردادها در حاکمیت و مالکیت دولت ایران بر منابع نفت و گاز، ضرورت تعامل با شرکت‌های بین‌المللی نفتی در عرصه نفت و گاز و از همه مهم‌تر، تأمین مالی و جذب سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاران خارجی دانست. از این‌رو دست‌اندرکاران و دولتمردان حوزه بالادستی نفت و گاز، مذاکره با شرکت‌های بین‌المللی جهت انعقاد این‌گونه قراردادها را در دستور کار قرار داده‌اند و تاکنون سه نسل از این نوع قراردادها در ایران منعقد شده است. نوع مرسوم دیگری از قراردادهای بالادستی تحت عنوان قراردادهای مشارکت در تولید وجود دارد که علی‌رغم داشتن تشابهات فراوان با قراردادهای بیع متقابل به دلیل اعطای سهمی از تولید به سرمایه‌گذار (طرف مشارکت) ممکن است با مقررات مندرج در قوانین کشور از جمله قانون اساسی و قوانین نفت همخوانی نداشته یا حسب تفاسیر مضیق قانونی، خلاف قوانین موضوعه تفسیر شود.

مقایسه این دو نوع قرارداد نشان می‌دهد که قراردادهای مذکور از این جهات دارای تفاوت‌هایی است: از جهت تجویز قانونی، حاکمیت و مالکیت دولت بر منابع زیرزمینی و تأسیسات و تجهیزات به‌کاررفته جهت تولید، میزان ریسک‌پذیری سرمایه‌گذار، تنوع ریسک‌های سرمایه‌گذار، مدت قرارداد، مسئولیت‌پذیری در دوره تولید و بهره‌برداری از میدان، نحوه محاسبه نرخ بازگشت سرمایه، طبقات هزینه‌ها و نحوه مدیریت میدان از دوره اکتشاف، توصیف، توسعه و بهره‌برداری. در این مقاله به این تفاوت‌ها پرداخته شد.

منابع:

- فارسی

- آریان‌کیا، رضا، «شرط داوری در سیر تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، مرکز امور حقوقی بین‌المللی، سال ۲۶، ش ۴۱، ۱۳۸۸.
- ابراهیمی، سیدنصرالله، «اصلاح یا جایگزینی قراردادهای بیع متقابل»، *راهکار یا ضرورت، شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی*، شانا، مصاحبه مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۸.
- ابراهیمی، سیدنصرالله، «نسل سوم قراردادهای بیع متقابل»، *مشعل*، نشریه کارکنان صنعت نفت ایران، ش ۴۶۸، دوره جدید، ۱۳۸۸/۰۸/۱۷.
- ابراهیمی، سیدنصرالله، محمدحسن صادقی‌مقدم و نرگس سراج، «انتقادهای وارده بر قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت و گاز ایران و پاسخ‌های آن»، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، ش ۴، زمستان ۱۳۹۱.
- ابراهیمی، سیدنصرالله، «واکاوی ویژگی‌های حاکم بر قراردادهای بیع متقابل و تأثیر آن بر قراردادهای بالادستی، *فرا ساحل آروند*»، نشریه شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی ایران، ش ۵۲، ۱۳۹۲.
- اشمیتوف، کلاویوم، *حقوق تجارت بین‌الملل*، ترجمه: بهروز اخلاقی و دیگران، جلد اول، سمت، ۱۳۷۸.
- السان، مصطفی، «ابعاد حقوقی انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شهر دانش، ش ۹، بهار - تابستان ۱۳۸۵.
- ایرانپور، فرهاد، «انواع قراردادهای نفتی، تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی»، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۲، تابستان ۱۳۸۷.
- ایرانپور، فرهاد، «مالکیت و مفهوم آن در قراردادهای نفتی»، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، ش ۱، بهار ۱۳۸۹.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی، *نظام حقوقی قرارداد مشارکت در تولید در صنعت نفت و گاز*، انتشارات شرکت مهندسی و توسعه نفت، ۱۳۸۵.
- جانکوفسکی، ادوارد، «ماهیت قراردادهای بیع متقابل ایران»، *مجله اقتصاد انرژی*، اسفند ۱۳۷۹.
- درخشان، مسعود، «منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز»، *مجله مجلس و پژوهش*، ش ۳۴، سال ۹، تابستان ۱۳۸۱.
- صابر، محمدرضا، *بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز*، دادگستر، ۱۳۸۹.

- صابر، محمدرضا، قراردادهای بیع متقابل (Buy-Back) در بخش بالادستی نفت و گاز و آثار حقوقی آن، رساله دکتری حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز آموزش‌های عالی بین‌المللی، ۱۳۸۶ - ۱۳۸۵.
- صادقی، جوانمرد، «جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy-Back) مفهوم، ماهیت و تشریفات انعقاد»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شهر دانش، ش ۵، بهار - تابستان ۱۳۸۳.
- صحرانورد، اسدالله، «تأملی بر بیع متقابل در قراردادهای نفتی ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شهر دانش، ش ۲، پاییز - زمستان ۱۳۸۲.
- شاکری، آرنوش، ارائه چارچوبی جهت تعیین نوع قراردادهای پروژه‌های توسعه‌ای (استراتژی قراردادهای)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و صنعت ایران، تابستان ۱۳۸۴.
- شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین‌الملل، سمت، ۱۳۸۹.
- عزیزاللهی، محمدرضا، بیع متقابل از دیدگاه فقه و حقوق، رساله دکتری، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۴.
- محبی، محسن، «رویه داوری بین‌المللی درباره غرامت (دعای نفتی)»، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، ش ۳۵، ۱۳۸۵.
- مقدم، محمدرضا و محمد مزروعی، «مدل‌سازی و تحلیل قراردادهای بیع متقابل و ارائه مدل بهینه‌سازی قرارداد در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۶، آذر و دی ۱۳۸۵.
- میلانی‌زاده، علیرضا و لیلا دادگری، قراردادهای طرح و ساخت، انتشارات میلان افزار، ۱۳۸۶.

- لاتین

- Beredjick, N. and Walde, T., *Petroleum Investment Policies in Developing Countries*, Graham & Trotman Ltd., 1998.
- Bunter, M., "The Iranian Buy-Back Agreement", vol. I, Issue #02, March, 2003, Available at: www.goeconsulting.co.uk.
- Ghandi, A., Lin, C-Y C., "An Analysis of Risk and Rate of Return to International Oil Companies from Iran's Buy-back Service Contracts: The Case of Soroosh and Nowrooz", 2011, Available at: <http://www.ucdavis.edu>.
- Omorogbe, Y., *The Oil and Gas Industry: Exploration and Production Contracts*, Malthouse Press Ltd., 1997.
- Shiravi, A. and Ebrahimi, S. N., *Exploration and Development of Iran's Oilfield Through Buy-back*, Natural Resources Forum 30, Blackwell Publishing Ltd., 2006.
- Wright, J. & Byrknes, A-H., "Buy-back Contract Risk Modeling Using System Dynamics", Sustainability in the Third Millennium, 2000.